

ما همه بازیگریم (نقش ها و تضاد ها)

ذبیح مدرسی



شکسپیر گفته است :

دنیا صحنه تاتر است
و باقی همه اش نقش است
خروج و ورود ها معین است
هر کس بازی خود را می کر
و پرده در لحظه موعود فرو می افتد

ما همه بازیگریم

وقتی از مردم در باره « نقش بازی کردن » می پرسیم ، با پوزخند خود را در صحنه ی تاتر و یا بازیگری سرشناس در فیلم محبوبشان مجسم می کنند و در نظرشان بازی کردن ماه یتی تخیلی و سرگرم کننده دارد ، اما واقعیت آنستکه در زندگی روزانه ، ما همه بازیگریم و در حال اجرای نقش های متفاوتی هستیم .

هر کدام از ما در شغل و کلومان متناسب با موقعیت و مهارت و اهدافمان نقشی بر عهده گرفته ایم و در تعامل با خانواده و دوستان نزدیک و دیگران در نقش های متفاوتی ظاهر می شویم و در موقعیت های مختلف برای اثبات شایستگی و عزت نفس و رضایت دیگران رفتار هائی بروز می دهیم که دیگران ما را با آن ویژگی ها می شناسند و این امر مستلزم طیف وسیعی از وظایف و نقش های مختلف در روابط شغلی با زیر دستان و بالا دستان ، فامیل دور و نزدیک ، نهاد های اجتماعی و قانون و مقررات حاکم بر جامعه و غیره ... می گردد .

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و وظایف اجتماعی بخشی از نقش هائی است که فرد در جامعه به عهده می گیرد و ایفای هر نقشی مستلزم آنستکه که رفتارمان را طوری تنظیم و یا تغییر دهیم که با انتظاراتی که جامعه و دیگرانی که با آنها در ارتباطیم از ما دارند هماهنگ و منطبق باشد .

در واقع معیار های اجتماعی قوائد نا نوشته ای هستند که سلوک و نحوه ی رفتارمان را تعریف کرده و استاندارد های پذیرفته شده ای برای اجتماع و سازمان ها و گروه ها و انجمن های مختلف محسوب می شوند ، مثلاً در مدرسه از دانش آموز انتظار می رود به موقع در کلاس درس حاضر شده و تکالیفش را انجام دهد ، در حالیکه مشارکت این دانش آموز در سرگرمی های گروه همسالان و فعالیت های اجتماعی اش در خارج از مدرسه تابع نقش و بازی های دیگری است ، به عبارت دیگر هر کس نقش های مختلفی را در تعامل با دیگران عهده دار می شود تا نظر مثبت آنان را جلب کند و در گروه پذیرفته شود.

با اینحال نباید فراموش کرد که گاهی علت انتخاب نقش هائی را که بازی می کنیم حتی برای خودمان و دیگرانی که در اطرافمان هستند ، مبهم و نا شناخته است و این علایق ریشه در نهاد و عوامل شخصیتی افراد دارد که بطور نا خود آگاه الویت ها و انتخاب هایش را متمایز می کنند .

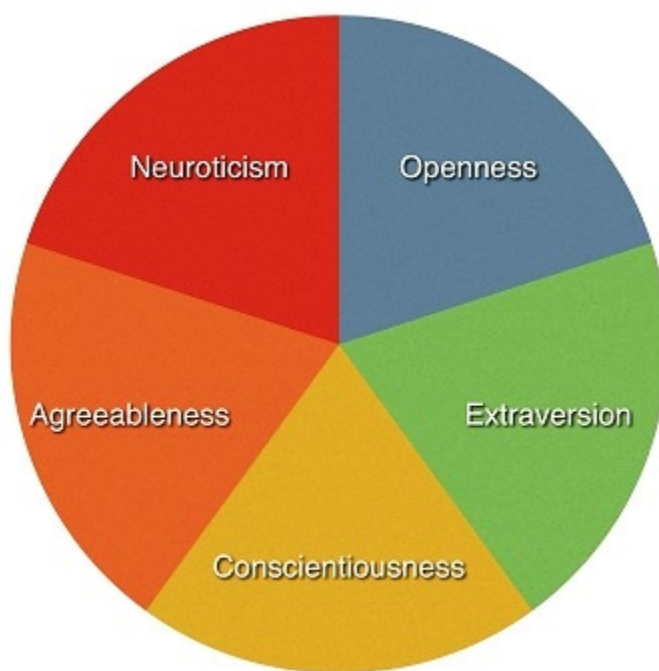
در واقع کنش افراد در شرایط مخ تلف شغلی ، عشق و دوستی ها و ارتباطات اجتماعی متفاوت بوده و عوامل شخصیتی و نگرش های فردی او بطور نا خود آگاه الویت ها و نقش های او را شکل می دهند.

ویژگی های شخصیتی و کنش های فردی

ارزیابی و شناخت ویژگی های شخصیتی ریشه ای کهن داشته و بقراط برای نخستین بار مزاج های چهار گانه را برای شناخت شخصیت و منش افراد تبیین نمود که این تقسیمبندی شامل مزاج دمو (گرم و تر) ، بلغمی (سرد و تر) ، صفراوی (گرم و خشک) و سودائی (سرد و خشک) بوده است ؛ در مباحث آکادمیک روانشناسان و متخصصین علوم اعصاب تقسیمبندی های متعددی را برای شناخت ویژگی شخصیتی افراد مطرح نموده اند ، به عنوان مثال کارل گوستاو یونگ روانشناس شهیر سوئیسی شانزده تیپ شخصیتی را تعریف نمود ، با اینحال « مدل پنج عاملی شخصیت » که برای اندازه گیری نیاز ها و انگیزش ها و اختلالات شخصیتی بکار می رود ، از نظر بسیاری از روانشناسان مورد تایید قرار گرفته و آن را مدل سودمندی در زمینه انسجام و وحدت بخشی به مفاهیم شناخت شخصیت دانسته اند :

پنج مدل (برزگ) شخصیتی

Five Factor Models



در تبیین عوامل مؤثر در شخصیت باید متوجه بود که هیچکدام از این پنج مدل بصورت قالبی و یکجا در فردی وجود ندارد و شخصیت هر فردی شامل طیفی گسترده از ویژگی هائی است که با مدل های دیگر

همپوشانی دارند ، با این وجود این مدل ها می توانند وجه غالب یک شخصیت را تبیین نمایند .

شخصیت برون گرا

Extroversion

این افراد با صفاتی مانند گشاده روئی ، پر انرژی ، و رّاج ی شناخته می شوند که عوامل بیرونی منبع انگیزش آنان بوده و افرادی اجتماعی ، خونگرم می باشند که قادرند در گروه و جمع خود را مطرح ساخته و مورد توجه قرار گیرند ، این ویژگی ها درست بر خلاف افراد برونگراست که عموماً زندگی ساکت و دور از هیاهو را ترجیح داده و کمتر در گیر مسائل اجتماعی شده و زمان بیشتری را برای با خود بودن و زندگی شخصی خویش اختصاص می دهند .

شخصیت انعطاف پذیر

Agreeableness

این افراد با خصوصیتی مانند مهربانی ، همدردی ، راز داری ، همکاری و مراعات حال دیگران شناخته می شوند ، از نظر آنان اغلب مردم قابل اعتماد ، شایسته و در خور احترامند و در مناسبات خود از هماهنگی خوبی برخوردار بوده و بخوبی خود را با شرایط وفق می دهند و مایلند دیگران را در شادی و علایق خود سهیم کنند و نسبت به اکثر انسان ها نگاهی مثبت و خوش بینانه دارند .

افراد انعطاف ناپذیر در نقطه مقابل این طیف بوده و عموماً خود را بالاتر از دیگران دانسته و به تمایلات دیگران توجه چندانی نداشته و به دیده ی شک می نگرند ، شک گرایی و خود بزرگ بینی آنان عاملی است که دیگران این افراد را غیر قابل اعتماد ، غیر دوستانه و مشکوک قلمداد می کنند و میل چندانی برای همکاری با آنان ندارند .

شخصیت مسئولیت پذیر (با وجدان)

Conscientiousness

ویژگی این افراد دقت ، موشکافی ، گوش به زنگ بودن و تلاش برای به انجام رساندن هر چه بهتر و وظایف محوله به آنهاست .

این افراد با نظم و مقررات خاص خود برای هر اقدامی به دقت می اندیشند و سپس طرح خود را با مراعات همه ی جزئیات به اجرا در می آورند ، آنان از بی نظمی و بی قانونی رویگردانند و با برنامه ریزی و نظم ، کنترل کاملی بر اعمالشان دارند .

شخصیت باز (گشاده رو)

Openness

افراد باز با علاقمندی آنان به کسب تجارب تازه و حادثه جوئی، کنجکاوی های روشنفکرانه و ایده های بدیع شناخته می شوند و درک عمیقی نسبت به احساسات درونی خود دارند و گاه ذهن باز شان از تجارب معمول زندگی برداشت هایی بدیع و مجردی دارد و اغلب دیدگاه و باور هایشان بر خلاف رسوم و عرف های رایج است، این نگرش منشاء هنر و خلاقیت و نگاه متمایز آنان برای مکاشفه و تجارب تازه است.

در نقطه مقابل افراد باز، « شخصیت های بسته » قرار دارند که از هر تجربه تازه و دگرگونی روی گردانند و ادامه یک زندگی معمولی و بی حادثه را ترجیح می دهند و با روش محافظه کارانه خود در برابر هر گونه تغییر و تحول تازه مقاومت کرده و از ریسک کردن هراسانند.

شخصیت روان نژند

Neuroticism

بخش مهمی از مطالعات روانشناسی به این گروه اختصاص یافته است که با ویژگی احساسات منفی مانند کج خلقی، بد بینی، اضطراب و دلواپسی، بد خواهی و حسادت شناخته می شوند.

اشخاصی که درجه بالائی از این ویژگی های شخصیتی دارند، نسبت به شرایط استرس زا دامنه تحمل پائینی داشته و گاه حتی شرایط عادی را تهدید کننده قلمداد می کنند و ضعف آنان در کنترل هیجاناتشان از قدرت تمرکز و افکار هدفمند و تصمیم گیری های صحیح و به موقع می کاهد، احساس رضایت مندی در این افراد ضعیف، تاخیری و گذران بوده و بر خواسته های گاه غیر منطقی خود – پافشاری می کنند و در صورت نا کامی به شدت افسرده و هراسان می شوند.

وجود این ویژگی در شخصیت های روان نژند زمینه مناسبی را برای بروز اختلالات خلقی و روانی مانند انواع ترس های نابجا (فوبیا)، اختلال هراس، اختلالات افسردگی و اضطراب و روان پریشی های مختلف (نوروز) را مهیا می کند، در حالیکه افرادی که درجه کمتری از خصلت های روان نژندی دارند، واکنش های هیجانی کمتری داشته و به راحتی عصبانی نمی شوند و آرام ترند و نگرش منفی کمتری به رویداد های زندگی دارند، اما این امر بدان معنا نیست که افکارشان سرشار از افکار مثبت است.

تضاد نقش ها

Role Conflict

انسان به عنوان موجودی سخن گو و اجتماعی ملزم به تعامل با دیگر انسان ها و جوامع انشوری است و اگر خود را با انتظارات و عرف رایج سازگار کند و نقشی را که برایش قائلند، خوب ایفا کند مورد تایید و توجه قرار می گیرد و اگر بد اجرا کند نارضایتی و نکوهش آنان را به همراه خواهد داشت.

هر فرد در زندگی روزانه با توجه به وقتی که در اختیار دارد، ملزم است اوقاتش را متناسب با نقش و وظایفی که دارد با شرایطی مثل کار ، خانواده ، دوستان ، اوقات فراغت و خرید و غیره .. تقسیم کند و در نقش های متفاوتی مثل کارمند یا رئیس ، همسر و والد، فرزند ، دوست ، ارباب رجوع به یک اداره یا سازمان ظاهر شود تا قادر باشد امورات زندگیش را سر و سامان دهد .

در جوامع کوچک و توسعه نیافته، جایگاه و موقعیت های هر فرد محدود است ، به عنوان مثال نقش زن به عنوان همسر و شریک مرد ، مادر و عضوی از روستا خلاصه می شود، در حالیکه با توسعه جامعه شهری و صنعتی شدن جوامع یک زن ممکن است همسر ، مادر ، همسایه ، کارمند ، دانشجوی نیمه وقت و عضوی از یک انجمن باشد و نقش های متفاوتی را ایفا کند .

با در نظر گرفتن ویژگی های شخصیتی افراد و پیچیده تر شدن روابط اجتماعی و رقابتی تر شدن شرایط برای تامین معاش و رفاه اجتماعی و محدودیت های زمانی فرد مجبور است ضمن الویت بندی نیاز ها و سیاق شخصیتی خویش ، انتظارات و نقش هائی را که در شرایط مختلف پذیرفته است، بر آورده سازد و این تعدد نقش ها با اتلاف انرژی و محدود شدن اوقات خوش و احساس رضایت های فردی به رقابت می پردازند و تداوم این کشمکش ها فروپاشی تعادل و یکپارچگی فرد را مهیا می کنند.

در آن دسته از جوامعی که به علت مشکلات اقتصادی انتخاب های فرد برای تامین معاش محدود باشند و فرد بر خلاف سیاق و علائقش به کاری نا خواسته مشغول شود و یا به علت فضای بسته اجتماعی که آزادی های فردی محترم شمرده نمی شوند ، مجبور باشد بر خلاف میل و اراده خود نقش هائی بر عهده گیرد که ریا ورزی و تظاهر بخشی تفکیک ناپذیر از آنست ، تضاد نقش ها شرایط را برای انواع اختلالات شخصیتی و نا رضایتی و روان نژندی ها مهیا می کند و این نکته ای کلیدی است که محققین و متخصصین علوم رفتاری و سیاستمداران نباید از آن غافل شوند .

ذبیح مدرسی – تابستان 1393

